

جریان شناسی فرقه یمانئ

(احمد الحسن)

بسم الله الرحمن الرحيم

این جریان تحت عنوان احمد الحسن الیمانی، وصی، فرزند و فرستاده امام زمان (عج) در اواخر سال های حاکمیت صدام بروز کرد. پس از سقوط او با کمک برخی از باقیمانده های رژیم بعث، تشکیلات وسیعی را در مناطقی همچون نجف، کربلاء، ناصریه و بصره به راه انداخت. مؤسس جریان، شخصی به نام احمد اسماعیل از قبیله صیامر در حدود سال ۱۹۷۳ میلادی، در منطقه ای به نام « هویر » از توابع شهرستان « زبیر » از استان بصره متولد شد. وی در سال ۱۹۹۹ میلادی، از دانشکده مهندسی بصره فارغ التحصیل شد. مدتی در حوزه شهید سید محمد صدر در نجف تلمذ نمود. ضمناً بنا بر نقل مؤثق برادر وی از نیروهای بعثی بود. نماد و نشان جریان یمانی

(احمد الحسن) وصی و رسول امام مهدی

نماد جریان الیمانی یک ستاره اسرائیلی به نام داوود است. این ستاره ۶ ضلعی به عنوان آرم و در کنار امضای احمد الحسن الیمانی قرار می گیرد .

امضای او در برخی اعلامیه ها از این قرار است.

بقیه آل محمد، الرکن الشدید، احمد الحسن وصی و رسول الامام مهدی (عج) الی الناس اجمعین. المؤید
بجبرئیل، المسدد بمیکائیل، المنصور یاسرافیل، ذریه بعضها من بعض و الله سمیع علیم

این ستاره شش پر در زبان لاتین به معنای پانتاگرام نامیده می شود صهیونیست ها از آن در پرچم خود به عنوان سمبل تسلط بر جهان استفاده می کنند

تاریخچه حزب بعث عراق از حامیان درجه یک جریان یمانی (فرقه منتسب به احمد الحسن)

استراتژی حمله ایمانی حزب بعث عراق پس از انتفاضه شعبانیه

حزب بعث عراق توسط یک مسیحی صهیونیست به نام میشل عفلق تأسیس شده است؛ حزب مذکور از یک سو وابسته به جریان استعماری انگلیسی بود، و از سوی دیگر دشمنی ذاتی با اسلام و تشیع داشت . شعار معروف آن ها موقع به دست گرفتن قدرت این بود:

آمنت بالبعث رباً لاشریک له وبمیشل نبیاً ماله ثانی

« به بعث به عنوان پروردگار بی شریک ، وبه میشل به عنوان پیامبری که همتا ندارد ، ایمان آورده ام ! »

کارنامه حزب بعث بویژه در زمان صدام در طول حاکمیت سی ساله، مملو از مبارزه با اسلام، قتل میلیون ها انسان بی گناه، نابودی اقتصادی عراق وبه تعطیل کشیدن شعائر مذهبی وبه شهادت رساندن صدها مجتهد وفاضل وهزاران طلبه از حوزه های علمیه بود.

این حزب به تحریک آمریکا، پس از پایان جنگ تحمیلی با ایران، جهت بستر سازی حضور آمریکا و متحدانش در خلیج فارس ، در سال ۱۹۹۰ م - ۱۳۶۹ ش ، کویت را اشغال کرد. به دنبال حضور آمریکا و متحدان غربیش به بهانه اخراج صدام از کویت ، مردم مسلمان عراق در زمان مرجعیت مرحوم آیت الله خوئی بر علیه حزب بعث در انتفاضه معروف به شعبانیه قیام کردند ، ودر آستانه پیروزی ورهایی عراق از چنگال ظالمان قرار گرفتند، که آمریکا به کمک صدام شتافت وبا سرکوب انتفاضه ، صدام را بار دیگر بر کرسی قدرت نشاند.

حزب بعث عراق که مشاهده نمود ، روح اسلامی در مردم مسلمان عراق نمرده ، وهنوز هم می تواند آن ها را بر علیه ظلم به انقلاب وا دارد، این بار تاکتیک خود را در مبارزه با اسلام عوض کرد . به جای نشان دادن چهره خشن ، جنگ نرمی را علیه اسلام و حوزه ومردم مظلوم شیعه عراق تحت عنوان « الحملة الایمانیه » به راه

انداخت؛ در واقع این کار همان استفاده ابرازی از مذهب علیه مذهب بود. صدام علاوه بر تظاهر به نماز و رفتن به زیارت ، در این حمله ایمانی چند کار خبیث و خطرناکی را انجام داد از جمله:

۱- نفوذ دادن جوانان مستعد بعثی در حوزه های علمیّه ، تا به عنوان طلبه علوم دینی به تحصیل پردازند ، و از آن ها برای مأموریت های ضد دینی استفاده نماید .

۲- دادن آزادی به برخی از علماء برای فعالیت به عنوان مرجعیت ، و کوبیدن مراجع تقلید دیگر جهت ایجاد تفرقه میان آنان به بهانه های قومی و صنفی .

۳- اجازه دادن به برخی از روحانیت جهت اقامه نماز جمعه و برگزاری کنترل شده شعائر دینی.

البته صدام وقتی از فعالیت آن گونه مرجعیت طرفی نبست ، و مشاهده کرد که به دست خود زمینه را برای حضور مردم متدین در صحنه فراهم ساخته است ، آن مرجعیت را به شهادت رساند ، و عملاً آن برنامه ها به تعطیلی کشیده شد.

۴- نفوذ دادن برخی از جوانان بعثی دوره دیده در عملیات سحر و جادو و مرتاضی و متظاهر به چهره دینی و انقلابی به درون زندان ها جهت فریب زندانیان سیاسی ، مثل ضیاء عبدالزهرهء الکرعاوی ، که یک افسر بعثی بود. وی دوره آموزش مرتاضی را در هند دیده ، به درون زندان عراق رفت ، وبا گرفتن اخبار سرّی از وضعیت پرونده های زندانیان سیاسی از مأمورین بعثی زندان ، در مورد آزادی ویا شهادت برخی از زندانیان پیشاپیش خبر می داد . بسیاری از زندانیان هم فریب الکرعاوی را خورده ، او را ولی الله و مرتبط با جهان غیب دانستند . همین شخص پس از آزادی از زندان ، بر اثر سقوط صدام در سال ۱۳۸۲ ش ، گروهی را به نام جند السماء تشکیل داد ، و ادعا کرد که او قائم آل محمد (ع) است! و مأموریت دارد که روز عاشوراء ۱۲۰۰ نفر از روحانیان نجف را به قتل برساند . اما پلیس عراق در تاسوعای سال ۱۳۸۵ ش ، نیروهای او را در پادگان « الزرگه » در حوالی نجف کشف، و آن ها را از بین برد . خود ضیاء عبدالزهرهء به اتفاق صدها نفر از همراهانش ، از جمله ۲۰۰ نفر از نیروهای به اصطلاح یمانی به هلاکت رسیدند.

سیر ادعاهای احمد الحسن (فرزند ، فرستاده و رسول امام مهدی)

وی با این که سید نیست، و اصل و نسب او از طایفه « صیامر » معلوم و معروف است ، عمامه سیاه پوشید ، و در مجامع عمومی ظاهر شد. از جمله ، با توجه به فیلمی که از او گرفته شده است ، بر بالای منبر در یک مسجدی، با لباس روحانی و عمامه سیاه سخنرانی ، و ادعاهای ضد و نقیض خودش را مطرح کرده است.

از لحن کلام او پیداست که سواد پایینی دارد، و سخن گفتن به عربی فصیح برای او مشکل است. در آن سخنرانی در عین این که تصریح می کند که هیچ ادعایی ندارد، و او یک مرد ساده از یک روستای ساده ای است، در همان زمان ادعا می کند که ، « من مایه رحمت برای اسلام، بلکه برای اهل زمینم ، اهل بیت (ع) هر کجا بروم، همواره با من هستید و صریحاً می گویم که خدواند مرا برگزیده است؛ صاحب نفس مطمئنه به من متصل شده، و خود صاحب نفس مطمئنه شده ام. من می خواهم شیعیان را متحد کنم از عالم و عامی؛ من آمادگی دارم حقایق را برای همه روشن کنم ، و به صورت سیاه و سفید نشان دهم. خدا نور است و کلام او نور است. در عین حال هیچ ادعایی هم ندارم ! »

مراحل مختلف بروز جریان یمانی

ادعاهای واهی او در طی پیامی که از طریق سایت اینترنتی خود ، با خطاب به علماء حوزه های دینی در مورخه ۲۷ شوال ۱۴۲۴ هجری قمری فرستاده بود ، از این قرار است:

در مرحله اول : ادعا می کند که ، امام زمان (عج) را در عالم خواب به صورت مکرر در حرم سید محمد فرزند امام هادی (ع) دیده ، او را امر به زیارت عسکرین می کند . پس از آن موفق به دیدار آن حضرت در بیداری شده ، حضرت او را نسبت به انحرافات عملی و مالی حوزه ها به خصوص حوزه نجف آگاه می کند، و تحت تربیت ویژه قرار می دهد!

در مرحله دوم : مدعی است که ، او را امر به ورود به حوزه علمیه می کند ، و در آن جا مأموریت به او داده که انحرافات حوزه را مطرح نماید!

در مرحله سوم : ادعا می نماید که ، در ماه شعبان سال ۱۴۲۰ هـ . ق (مصادف با ۱۳۷۸ ش)، امام زمان را برای دومین بار در حالت بیداری در کنار حرم امام حسین (ع) ملاقات کرده ، و به دستور امام به نجف می رود ، و دعوت خود را علنی می سازد ، در این مرحله جمعی او را تکذیب می کنند؛ و او را به سحر و جنون و تسخیر اجنه متهم می کند در پی آن به شهر خود باز می شود.

اعلان عمومی جریان یمانی پس از سقوط رژیم صدام حسین

بعد از سقوط صدام در ماه جمادی الثانی ۱۴۲۴ قمری ، احمد اسماعیل دعوت خود را علناً تکرار کرده، و تعدادی فریب حرف های او را می خورند . در ماه مبارک رمضان آن سال ادعا می کند ، که از سوی امام زمان (ع) مأموریت یافته تا همه مردم زمین را مورد خطاب قرار دهد ، و آن ها را به قیام در راه حق بر علیه ظالمان دعوت کند!

وی در آن پیام تصریح می کند ، که من انتظار یاری علمای دین را ندارم . زیرا بسیاری از آنان با امام زمان (عج) با لسان و سنان جنگ خواهند کرد، چون با ظهور امام زمان (عج) بساط مرجعیت آنان درهم پیچیده می شود؛ و مقصود از او ثان و اصنام (بت ها) همان علما هستند.

به طور خلاصه ادعاهای احمد الحسن را می توان چنین بیان کرد :

- ۱- در اول ادعا کرد که با امام الزمان (عجل الله فرجه) در ارتباط می باشد و نیز ادعا نمود که نایب خاص امام می باشد(به نقل از کتاب اولین ملاقاتم با امام الزمان که خودش آن را تألیف کرده میباشد).
- ۲- بعد از مدتی که نزدیک ۳۰ نفر فریب وی رامی خورند خود را یمانی موعود معرفی می کند.
- ۳- بعد از گذشت چند سال دوباره با ادعای جدیدی آمد و گفت من فرزند امام می باشم.
- ۴- در همان ایام همه مراجع عظام فتوی دادن که این شخص یک دجال است و باید از بین برود.
- ۵- بعد از این همه دوباره ادعا کرد که من صاحب الامر می باشم و گفت باید مراجع از بین بروند و مردم نباید از آنها تقلید کنند.
- ۶- و در این چند ماه گذشته نیز ادعا کرد که من همان امام زمان ، حضرت مهدی می باشم و نیز گفت همه مردم باید با من بیعت کنند.
- ۷- این شخص با آوردن آیات جدید و احکام جدید سعی می کند که قرآن و تشیع را منحرف سازد.
- ۸- شخصی که خود را به جای امام زمان قرار بدهد یقیناً از دایره ی اسلام خارج می شود.
- ۹- این شخص در حال حاضر متواری شده است و گویا خود را در دولت امارات پنهان کرده است.

دلایل اثبات ادعاهای احمد الحسن

وی برای اثبات مدعای خود به چند دلیل استناد می کند:

دلیل اول: خواب هایی که اشخاصی درباره او دیده اند! و این علاوه بر خواب هایی که خود دیده بود!

دلیل دوم: اخبار از حوادث آینده مثل سقوط صدام!

دلیل سوم: آمادگی برای مناظره با علمای اسلام ، یهود و مسیحیت!

دلیل چهارم: آمادگی برای مباحثه با علمای شیعه و سنی و یهودی و نصرانی!

بدیهی است که به اصطلاح ادله فوق صرف ادعا است. خواب هم بر فرض صحّت حجّت شرعی نیست.

وی در پایان پیام خطاب به مردم عراق، این چنین می گوید: پدرم امام زمان (عج) را برای اهل زمین فرستاد و من دعوتم را در بین شما آغاز کردم، در حالی که جبرئیل و میکائیل مرا تأیید و نصرت می دهند، من از شما طلب نصرت می کنم. اگر نصرتم دادید فیها، و الا سابقه پدران شما روشن است. اگر مرا خذلان کنید، صبر خواهم کرد همان گونه که مسلم بن عقیل صبر نمود. من بزودی از میان شما خواهم رفت، ای باقیمانده های قاتلان حسین! اگر می خواستم، شمر و شبت این زمان را معرفی می کردم.

من اخبار شما را به پدرم محمد بن الحسن خواهم رساند؛ در آینده به همراه او، که جز شمشیر، چیزی را به شما ارائه نخواهد داد، باز خواهم گشت.

وی در سایت انصار المهدی به آدرس: (www.almahdyoon.org) با امضای سید احمد حسن وصی و رسول امام مهدی (عج)، در مورخه ۲۱ / ربیع الثانی ۱۴۲۶ هجری قمری مصادف با ۹ / ۳ / ۱۳۸۴ شمسی به صورت سؤال و جواب پیامی را منتشر می کند. در آن پیام با این که مدعی فرزندی امام زمان (عج) و هاشمی بودن شده است، یمانی بودن خود را این گونه توجیه می کند که: مکه از تهامه است و تهامه از یمن، پس محمد و آل محمد (ص) همگی یمانی هستند!

از این رهگذر احادیثی را که درباره مدح یمانی، و این که پرچم او پرچم هدایت است، وارد شده، بر خود تطبیق می کند. در آن مصاحبه ادعای عصمت هم می کند.

مدعی جریان یمانی به احادیثی که علامه مجلسی در باب « خلفاء المهدی صلوات الله علیه واولاده و ما یكون بعده » در ج ۵۳ بحار الانوار آورده است، تمسک می کند. طبق یکی از آن احادیث، پیامبر (ص) به دوازده امام معصوم شیعه وصیت می کند، و بعد از ذکر امام زمان (عج) می فرماید: « ثم یكون من بعده اثنا عشر مهدياً فاذا حضرته الوفاة فليسلمها الى ابنه اول المهديين ... ».

مدعی ادعا می کند که او مصداق همان اول المهديين و فرزند امام زمان (عج) است! در حالی که امام زمان هنوز نیامده و فوت نشده، وصی او ظهور کرده است!

در پیام دیگری که طرفداران وی با امضای انصار المهدی، در مورخه ۱۱ ماه رمضان ۱۴۲۷ ق، از نجف خطاب به مقام معظم رهبری فرستاده اند، چنین آمده است: « الی السید علی الخامنه ای! السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته ... » در آن پیام از مقام معظم رهبری تقاضای قرائت این پیام و دادن جواب به آن را کرده. وادله حجیت ادعای احمد بن الحسن را مطرح می‌سازند. از جمله همان حدیث وصیت و خواب‌ها و مناظره‌ها و مباحله را مطرح می‌کنند.

بررسی حدیث یكون بعد القائم اثنا عشر مهدياً ولم يقل : اثنا عشر اماماً (مورد ادعای احمد الحسن)

بعد از شناخت اجمالی سید احمد الحسن لازم است تک تک احادیث مورد اشاره این فرقه را از نظر سند و دلالت بررسی نموده، و در نهایت ارتباط مدعای جریان یمانی را با آن احادیث کشف کنیم.

۱- حدیث اول: شیخ صدوق در کتاب کمال الدین و تمام النعمه می‌نویسد:

« حدَّثنا علی بن أحمد بن محمد بن عمران الدقاق قال: حدَّثنا محمد بن أبي عبد الله الكوفي قال: حدَّثنا موسى بن عمران النخعي، عن عمه الحسين بن يزيد النوفلي، عن علي بن أبي حمزة، عن أبي بصير قال: قلت للصادق جعفر بن محمد یا ابن رسول الله إنی سمعت من ابیک (ع) أنه قال: یكون بعد القائم اثنا عشر مهدياً فقال: أنما قال: اثنا عشر مهدياً ولم يقل: اثنا عشر اماماً، ولكنهم قوم من شيعتنا يدعون الناس الى مولاتنا ومعرفة حقنا. »

حدیث فوق از نظر سند ضعیف است. زیرا در طریق آن اولاً: علی بن أحمد بن محمد بن عمران الدقاق است، که از نظر علمای رجال مجهول می‌باشد. و ثانیاً علی ابن ابی حمزه است، که به عنوان کذاب (دروغگو) و متهم توصیف شده، و کسی بود که مذهب انحرافی واقفیه را تأسیس نمود. طریق شیخ طوسی و شیخ صدوق به او هم ضعیف است.

از نظر دلالت، خلاصه حدیث مزبور این است، که بعد از شهادت امام زمان (عج) دوازده نفر از شیعیان که به خاطر هدایتی که دارند مهدی نامیده می‌شوند، و نه از ائمه هستند، و نه از اولاد آنان، مردم را به سوی ولایت و معرفت حق اهل بیت دعوت می‌کنند. و این چه ارتباطی با امروز دارد که هنوز امام زمان (عج) ظهور نکرده است

بررسی حدیث وصیت پیامبر در شب وفاتش (یا علیّ سیكون بعدی اثنا عشر اماماً ومن بعدهم اثنا عشر مهدياً)

در پست قبل یکی از احادیث مورد استناد سید احمد الحسن را بررسی و ارتباط آن را با سید احمد الحسن نقد نمودیم . در این مجال به بررسی دومین حدیث مورد اشاره این فرقه خواهیم پرداخت.

یا علیّ سیكون بعدی اثنا عشر اماماً ومن بعدهم اثنا عشر مهدياً

۲- شیخ طوسی در کتاب الغیبه می نویسد :

« أخبرنا جماعة ، عن أبي عبد الله الحسين بن عليّ بن سفيان البزوفريّ ، عن عليّ بن سنان الموصليّ العدل ، عن عليّ بن الحسين ، عن أحمد بن محمد بن خليل ، عن جعفر بن أحمد المصريّ ، عن عمّه الحسن بن عليّ ، عن أبيه ، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد ، عن أبيه الحسين الزكيّ الشهيد ، عن أبيه امير المؤمنين (ع) قال : قال رسول الله (ص) في الليلة التي كانت فيها وفاته - لعلّيّ (ع) يا أبا الحسن احضر صحيفةً ودواةً ، فأملا رسول الله (ص) وصيته حتّى انتهى إلى هذا الموضع فقال : يا عليّ سيكون بعدی اثنا عشر اماماً ومن بعدهم اثنا عشر مهدياً ، فأنت يا عليّ أوّل الاثني عشر الإمام . سَمَّاكَ اللهُ تعالى في سمائه عليّاً المرتضى وامير المؤمنين والصدّيق الاكبر والفاروق الاعظم والمأمون والمهدي ، فلا تصح هذه الأسماء لأحد غيرك ، يا عليّ أنت وصيّيّ على اهل بيتي حيّهم وميتهم ، وعلى نسائي فمن ثبتها لقيتني غداً ، ومن طلقها فأنا بريء منها ، لم ترني ولم أرها في عرسه القيامة ، وأنت خليفتي على أمّتي من بعدی ، فاذا حضرتك الوفاة فسلّمها الى ابني الحسن البرّ الوصول ، فاذا حضرته الوفاة فليسلمها الى ابني الحسين الزكيّ المقتول ، فاذا حضرته الوفاة فليسلمها الى ابني سيّد العابدين ذي الثغفات عليّ ، فاذا حضرته الوفاة فليسلمها الى ابني محمد الباقر ، فاذا حضرته الوفاة فليسلمها الى ابني جعفر الصادق فاذا حضرته الوفاة فليسلمها الى ابني موسى الكاظم ، فاذا حضرته الوفاة فليسلمها الى ابني عليّ الرضا ، فاذا حضرته الوفاة فليسلمها الى ابني محمد الثقة التقى ، فاذا حضرته الوفاة فليسلمها الى ابني عليّ الناصح ، فاذا حضرته الوفاة فليسلمها الى ابني الحسن الفاضل ، فاذا حضرته الوفاة فليسلمها الى ابني محمد المستحفظ من آل محمد ، فذلك اثنا عشر اماماً ، ثم يكون من بعده اثنا عشر مهدياً ، فاذا حضرته الوفاة فليسلمها الى ابني أوّل المقربين . له ثلاثة اسامي اسم كاسمي واسم أبي وهو عبدالله وأحمد و الأسم الثالث المهديّ هو اول المؤمنين » .

این حدیث نیز از نظر سند ضعیف () است . زیرا علی بن سنان الموصلی العدل () در طریق حدیث است ، که او مجهول می باشد . درباره برخی از راویان دیگر این حدیث هم جای اشکال است . از نظر دلالت آشکارا دلالت می کند که بعد از پیامبر اکرم (ص) دوازده امام معصوم می آیند . اولین آن ها امیرالمؤمنین (ع) و آخرین آن ها امام زمان (عج) است . بعد از وفات امام زمان (عج) دوازده نفر آدم هدایت یافته (مهدی) می آیند که اولین آن ها ، بنا بر تعبیر روایت (اول مقربین) ، فرزند امام زمان خواهد بود . وی دارای سه نام خواهد بود . یکی احمد (هم نام پیامبر (ص) ، دیگری عبدالله (نام پدر پیامبر (ص)) و سومی مهدی است .

این حدیث با حدیث قبلی از نظر انتساب مهدیین تعارض دارد . زیرا حدیث شیخ صدوق بر این مسأله تأکید دارد که آن ها از شیعیان اند ، که ظاهر آن این است که از خود اهل بیت و اولاد آن ها نیستند . در حالی که حدیث کتاب الغیبه بر این معنی صراحت دارد که اولین آن ها فرزند امام زمان است ، ولی در هر حال ، دو حدیث بر این معنی دلالت می کنند ، که این دوازده نفر بعد از شهادت امام زمان خواهند آمد نه قبل از او ! پس هیچ ارتباطی با مدعیان زمان ما ندارند .

بررسی حدیث یا ابا حمزه إنّ منّا بعد القائم أحد عشر مهدياً من ولد الحسين (مورد استناد سید احمد الحسن)

فرارسیدن عید باستانی ایرانیان نوروز ۱۳۹۰ بر شما امت مسلمان ایرانی تبریک و تهنیت باد

در اولین ماه از سال ۱۳۹۰ و در ادامه بررسی احادیث مورد استناد جریان یمانی (سید احمد الحسن) به حدیث دیگری از کتاب الغیبه شیخ طوسی اشاره می کنیم . این حدیث که سومین حدیث مورد استناد این فرقه به شمار می رد به قرار زیر است .

یا ابا حمزه إنّ منّا بعد القائم أحد عشر مهدياً من ولد الحسين

۳- شیخ طوسی در جای دیگر کتاب الغیبه آورده است :

« محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری عن ابیه ، عن محمد بن عبدالحمید ومحمد بن عیسی ، عن محمد بن الفضیل ، عن ابي حمزة ، عن ابي عبدالله (ع) فی حدیث طویل - « أنه قال : یا ابا حمزة إنّ منّا بعد القائم أحد عشر مهدياً من ولد الحسين » .

حدیث فوق هم نیز از نظر سند ضعیف است . زیرا برخی از راویان آن از نظر علمای رجال از این قرار است : محمد بن عبدالحمید مجهول است . محمد بن عیسیٰ مشترک بین ثقه و مجهول و تشخیص آن دو مشکل است . محمد بن فضیل هم مجهول است .

ابن حمزه مشترک بین ابی حمزه ثمالی که ثقه ، و ابی حمزه بطائی که ضعیف و کذاب و فتنه گر می باشد .

از نظر دلالت هم بر این معنی دلالت می کند ، که بعد از امام زمان (عج) یازده انسان هدایت یافته (مهدی) که همگی از فرزندان امام حسین (ع) می باشند ، می آیند . این حدیث با دو حدیث قبلی از نظر تعداد آن ها تعارض دارد . زیرا آن دو بر دوازده نفر ، اما این یکی بر یازده نفر تأکید دارد . و به هر صورت ارتباط با زمان کنونی ندارد زیرا به دوران پس از ظهور امام و وفات او ناظر است

بررسی احادیث مورد استناد جریان یمانی (اَنْ مَّا بَعْدَ الْقَائِمِ (عج) اثنا عشر مهدياً من ولد الحسين)

در بررسی احادیث مورد اشاره جریان سید احمد الحسن به حدیثی دیگر خواهیم پرداخت و بار دیگر پوچ بودن ادعاهای این مدعی دروغین مهدویت را بر خوانندگان گرامی کشف خواهیم کرد .

اَنْ مَّا بَعْدَ الْقَائِمِ (عج) اثنا عشر مهدياً من ولد الحسين (ع)

۴- شیخ حسن بن سلیمان (متوفای ۸۰۲) در کتاب مختصر بصائر الدرجات (سعد بن عبدالله اشعری) آورده است:

« مِمَّا رَوَاهُ السَّيِّدُ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِالْحَمِيدٍ بِاسْنَادِهِ عَنِ الصَّادِقِ (ع) اَنْ مَّا بَعْدَ الْقَائِمِ (عج) اثنا عشر مهدياً من ولد الحسين (ع) . »

سند این حدیث معلوم نیست . زیرا مؤلف مختصر البصائر آن را از سید علی بن عبدالحمید متوفای ۷۶۰ هـ به اسنادی که آن سید نقل کرده ، روایت نموده است . اسناد مذکور که در دسترس ما نیست ، تا بدانیم همه آن ها ثقه هستند یا غیر ثقه . بنابراین سخن قطعی درباره سند حدیث ممکن نیست . از نظر دلالت همانند حدیث قبلی است ، آلا این که این حدیث بر دوازده مهدی تأکید می کند در حالی که قبلی بر یازده مهدی ! و در هر صورت سخن از دوران پس از ظهور امام زمان و وفات آن حضرت به میان آورده و هیچ ربطی به امروز که هنوز امام زمان ظهور نفرموده است ، ندارد

بررسی کلی احادیث مورد استناد جریان یمانی (احمد الحسن فرزند ، فرستاده و رسول امام مهدی)

در پست های گذشته اشاره داشتیم به احادیث مورد استناد فرقه منتسب به احمد الحسن که در این مکان می توانید به آن احادیث دسترسی سریع داشته باید و در این پست به بررسی کلی تمام آن احادیث خواهیم پرداخت.

احادیث مزبور ، صرف نظر از وضعیت سندی آن ها که نوعاً ضعیف و غیر معتبر است ، از جهت دلالت به عنوان احادیثی شاذ و غیر قابل قبول تلقی می شود . زیرا بنا بر احادیث مشهور ، بعد از شهادت امام زمان (عج) زمانی برای حکومت معمولی و متعارف صالحان نمی ماند . طبق احادیث مسلم شیعه ، بعد از شهادت امام زمان (عج) دوره رجعت است . پس از آن قیامت کبری اتفاق می افتد . لذا برخی از علمای شیعه احادیث مزبور را بر فرض صحّت بر دوران رجعت حمل نموده اند . پس مقصود از دوازده یا یازده مهدی همان ائمه هدی:می باشد ، که بعد از ظهور امام زمان و شهادت آن حضرت ، جهت انتقام گرفتن از قاتلان شان ، آن هم به مدت کوتاه (چهل روز) قیام می کنند.

شیخ مفید در آخر کتاب الارشاد ، پیرامون احادیث مذکور می فرماید : « و لیس بعد دولة القائم (عج) لأحد دولة إلا ما جاءت به الروایة من قیام ولده إن شاء الله ذلك ، ولم یرد به علی القطع والثبات ، و اکثر الروایات أنه لن یمضی مهدی الأمة الا قبل القیامة بأربعین يوماً ، یکون فیها الفرج (الهرج) و علامات خروج الاموات و قیام الساعة للحساب والجزاء »؛ بعد از دولت حضرت قائم (عج) برای کسی دولتی تشکیل نمی شود . مگر آن چه این روایت بر آن دلالت می کند ، که فرزند (فرزندان) او اگر خدا بخواهد قیام می کند . البته این روایت به صورت قطعی ثابت نیست.

اکثر روایات بر این معنی دلالت می کند ، که حضرت مهدی (عج) نمی رود ، مگر چهل روز قبل از قیام قیامت که در آن فرج (و بنا بر روایت بحار هرج ومرج) صورت می گیرد ، و علائم خروج اموات و قیام قیامت برای حساب و کتاب آشکار می شود.

علّامه مجلسی پس از نقل اخبار مذکور در بحار الانوار ، « باب خلفاء المهدي و اولاده » ، درباره دلالت و تأویل آن احادیث می نویسد: هذه الاخبار مخالفة للمشهور . وطريق التأويل أحد وجهين: الاول : ان يكون المراد بالاثني عشر مهدياً النبي (ص) و سائر الائمة سوى القائم (عج) ، بان يكون ملكهم بعد القائم (عج).

و قد سبق ان الحسن بن سليمان أولها بجميع الأئمة ، وقال برجة القائم بعد موته . وبه أيضاً يمكن الجمع بين بعض الأخبار المختلفة التي وردت في مدّة ملكه . والثاني : أن يكون هؤلاء المهديون من اوصياء القائم هادين للخلق في زمن سائر الائمة الذين رجعوا لثلا يخلو الزمان من حجة ، وإن كان اوصياء الانبياء والائمة ايضاً حججاً والله تعالى أعلم » ؛ یعنی: « این اخبار مخالف مشهور است

دو راه وجه جمع و تأویل روایات فوق

راه اول: این که مراد از دوازده مهدی « هدایت شده » همان پیامبر اکرم (ص) و سایر امامان به استثنای امام زمان (عج) است . به این معنی که ملک آن ها (در هنگام رجعت) بعد از امام زمان خواهد بود . قبل از این گذشت ، که جناب حسن بن سلیمان (مؤلف مختصر البصائر) آن حدیث را به همه ائمه (دوازده گانه) تأویل نموده و قائل به رجعت امام زمان بعد از وفات شده است . با این تأویل می توان بین برخی از اخبار مختلف که درباره مدت ملک آن حضرت وارد شده است ، جمع کرد.

راه دوم : این است که آن دوازده مهدی از اوصیاء امام زمان (عج) ، هدایت گران خلق در زمان ائمه: در هنگام رجعتند . زیرا زمان نمی تواند خالی از حجت باشد ، اگر چه اوصیاء انبیاء: نیز حجج هستند

ارتباط جریان یمانی (احمد الحسن) با احادیث مورد استناد در منابع شیعه

جریان یمانی با احادیث مزبور چه ارتباطی دارد؟

احادیث مذکور ، سوای از صحیح و یا ضعیف بودن سند ، چه قابل قبول از نظر دلالت و چه غیر قابل قبول ، چه قابل تأویل به رجعت باشد ، چه غیر قابل تأویل ، هیچ ارتباطی با مدّعی جریان یمانی ندارد.

زیرا همه آن احادیث بر این مطلب اجماع دارند ، که قیام مهدیین دوازده گانه یا یازده گانه بعد از ظهور و وفات امام زمان (عج) خواهد بود. هیچ یک از احادیث بر این معنی دلالت نمی کند ، که آن ها یا برخی از آن ها قبل از ظهور امام زمان (عج) می آیند . در حالی که احمد اسماعیل الصیمری ، که به دروغ مدّعی فرزندی و وصایت

امام زمان (عج) است ، در حال حاضر که هنوز امام زمان ظهور نفرموده ، ادّعیای قیام کرده و خود را اولین نفر از مهدیین می نامد!

بنابراین ، مدّعی نامبرده هیچ پایه و مستندی از جهت احادیث ندارد . علاوه بر آن ، نام وصی خود ، فریاد می زند که بعد از مرگ موصی قیام به وظیفه می کند ، نه قبل از مرگ او . پس مدّعی جریان یمانی چه وصیّ است که قبل از ظهور و مرگ موصی مشغول به کار شده است !؟

تشکیلات و بررسی عملکرد جریان یمانی احمد اسماعیل گاطع معروف به احمد الحسن

در کنار رهبری جریان الیمانی که به عهده احمد اسماعیل گاطع معروف به احمد الحسن الموعود می باشد ، رهبری معنوی ، نظامی و رهبری سازمانی هم وجود داشته است . شیخ کاظم العقیلبی مسئول شاخه نظامی ، استاد عبدالرحیم ابومعاذ به عنوان مرشد و رهبری معنوی سازمان می باشد . معاون مؤسس این جریان شخصی به نام شیخ حیدر المنشداوی (ابن ابو فعل) از شاگردان شهید سید محمد صدر بود . المنشداوی در زمان صدام به ایران آمد و به ترویج این فکر پرداخت ، لذا توسط حکومت ایران دستگیر گردید ، و به مدت ۶ ماه در زندان به سر برد . بعد از سقوط صدام به عراق بر گردانده شد ، و ادّعا نمود که وی وصی امام زمان (عبدالله بن الحسن القحطانی) می باشد ، و از همه اموری که مردم از آن ها اطلاعی ندارند ، مطلع است ، حتی از محل قبر فاطمه مطلع می باشد . وی دفتری را در منطقه قدیم نجف در شارع الرسول (ص) افتتاح نمود ، و به نشر افکار خود همّت گماشت . بعد از این اتفاقات ، مؤسس جریان با صدور بیانیه ای المنشداوی را تفسیق کرد .

لذا قاسم عبد حسن از عناصر سابق حزب بعث ، عباس خلف الجیناوی از عناصر سازمان بدر ، عباس زوری عگله و هامل محیی حمود نیز به همراه المنشداوی از این جریان خارج شدند؛ شیخ حیدر المنشداوی پس از آن ، در بغداد توسط یک گروه مسلح کشته شد .

از طرفداران یمانی ، شخصی از بیت حمامی ، به نام سید حسن الحمامی - فرزند مرحوم سید محمد علی حمامی متوفای ۱۹۹۸ م از علمای معروف نجف - بود . این شخص که مرتبط با دستگاه بعثی ، عقده ای ضدّ علمای دین بود ، به عنوان روحانی ارشد آن گروه فعالیت داشت . ومصدق آیه شریفه : (انه لیس من اهلک انه عمل غیر صالح) شد

فعالیت های جریان یمانی (فرقه منتسب به احمد الحسن)

این سازمان به فعالیت تبلیغی بهای زیادی می دهد ، لذا به نشر و چاپ کتاب هایی برای تبلیغ تفکر خود اقدام کرده است؛ بر اثر این تبلیغات ، بعضی از افراد کم مایه وبی اطلاع از مبانی دینی را گول زده است . وبه آن ها تلقین کرده که وی یمانی نایب امام زمان می باشد . وی کتاب هایی با نام های جذاب و فریبنده هم چون الجواب المنیر عبر الاثیر ، نصیحت به طلاب حوزه علمیه ، حاکمیت خداوند نه حاکمیت مردم ، و کرامات وغیب گویی ها ، نشریاتی با نام روزنامه القائم (عج) ، و نشریه قمر بنی هاشم ، و منشوراتی با نام انصار المهدی ، منتشر ساخته است.

در شماره ۳ نشریه هفتگی قمر بنی هاشم مورخه جمعه ۱۴ محرم ۱۴۲۵ هـ ، مطالبی از این دست وجود دارد:

معرکه الامام المهدی تشتعل فی مصر ، حرب آمریکا علی العراق ، بدایه الحرب ضد المهدی المنتظر (عج) ، علماء السوء فی روایات اهل البیت: العجل العلمی عند فقهاء الشیعۀ . در ضمن مقاله اخیر کاریکاتور یک گاو نر که بر شکم آن ، کلمه « علم اصول » نوشته شده ، کشیده شده است . در این مقاله علم اصول فقه حوزه های علمیه به گوساله سامری تشبیه گردیده است ، که توسط امام زمان (عج) به دور ریخته خواهد شد . در آن نشریه تحت عنوان « بُوءة » یعنی پیش گویی ، خبر از خروج قریب الوقوع نفس زکیه در نجف داده است ! که هرگز تا به حال خارج نشده است!

طرفداران این جریان با توزیع اعلامیه ها و بروشورهایی همه علمای ایران و عراق را به مناظره دعوت نمودند . از جمله در سال ۱۳۸۲ش بعد از سقوط صدام ، هم زمان گروه های معدودی از جوانان فریب خورده عراقی که به صورت غیر قانونی وارد ایران شده بودند ، در نماز جمعه شهرهای اهواز ، قم ، کرج ، مشهد ، و جاهای دیگر بین صفوف نماز جمعه ایستاده و خبر از ظهور یمانی دادند . در آن شهرها ، آن افراد دستگیر شده ، وبه کشورشان بازگردانده شدند؛ در برخی شهرها مثل قم و اهواز مبلغین آن ها دست به تبلیغ مرام خود زدند ، که در برخی موارد توسط مسئولین قضایی کشورمان بازداشت ، و محکوم شدند .

فعالیت نظامی عناصر احمد الحسن (طرفداران و اعضاء جریان یمانی)

این جریان آموزش نظامی را برای اعضای خود لازم دانسته ، عناصر خود را در باغ های العماره و مناطق الفاس والتیره به انواع سلاح های اهدائی اربابانشان آموزش می داده است . یکی از مراکز آموزش آن ها در منطقه صفوان در مزرعه « صابر زایر شمال آلبرحمه » و نیز منطقه « الهویر قرنه » بود . یکی از آموزش های آن ها آموزش سر بریدن افراد بوده است . اولین اقدام نظامی آن ها بعد از ایزوله برخی از عناصر منشعب مثل حیدر المنشداوی ، هماهنگی با جماعت جند السماء به رهبری الگرعاوی در تاسوعای سال ۱۴۲۸ قمری ، در منطقه الزرگه کوفه بود . در آن عملیات حدود ۲۰۰ نفر از جماعت یمانی کشته شدند . جالب این جاست ، با این که ادعاهای عقیدتی الگرعاوی با گروه یمانی تضاد دارد ، اولی وجود امام زمان (عج) را منکر می شده و خود را قائم آل محمد می دانسته ، و دومی خود را فرزند و وصی امام زمان (عج) می داند ! ، از نظر فعالیت نظامی بر علیه دولت شیعی عراق و حوزه های علمیه به صورت مشترک در یک عملیات وارد شدند ، و سرکوب گردیدند ! این امر حاکی از این است ، که هر دو جریان از پشت پرده توسط رهبری واحدی اداره می شدند ، و ادعاهای عقیدتی آن ها غیر واقعی بوده است !

بعد از حادثه فوق جریان یمانی به صورت سری فعالیتش را ادامه داد؛ با سرکوب قیام الگرعاوی در منطقه الزرگه نجف ، یمانی تصمیم گرفت در عاشورای سال ۱۴۲۹ قیام کند ، اما یک ماه پیش از وقت مقرر با دستگیری ۴۰ نفر از پیروانش در نجف ، توانایش کاهش یافته ، و نتوانست اقدامی را در نجف و کربلاء طی مراسم عاشورا انجام دهد . این گروه برنامه داشت تا روز تاسوعا قیام کند و زایرین حرمین امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع) را قتل عام کرده ، و دو حرم مقدس رابه اشغال درآورد.

سپس با رهبری شخصی دارای سابقه بعثی بودن ، به نام « سید حسن الحمامی » به سوی نجف حرکت کند ، و مراجع دینی را ترور نمایند . سپس با شخصی به نام « ابن بئینه » به عنوان امام مهدی بیعت کنند ، و فعالیت آن ها به سوی بصره و ناصریه کشیده شود . این گروه در ساعت ۹/۳۰ صبح تاسوعا فعالیت خود را با حمله به هیأت های عزاداری در بصره آغاز کردند و توانستند وارد مقر شرکت نفت جنوب شوند . هم چنین در ناصریه فعالیت خود را با حمله به تیپ واکنش سریع آغاز کردند ، در پی آن سرتیپ ابولقاء الجابری فرمانده این تیپ ، و سرهنگ ابو محمد الرمیض مسئول اطلاعات تیپ کشته شدند.

پلیس نجف اشرف ۴۵ نفر از عناصر مسلح گروه یمانی تحت عنوان "انصار المهدی" از جمله ۱۵ نفر از رهبران و فرماندهان این گروه را دستگیر کرده که حسن الحمامی رهبر مذهبی این گروه در ضمن دستگیرشدگان بود. حسن الحمامی بعد از دستگیری اعتراف کرد، که اعضای گروهش قصد داشتند، در روز عاشورا مراجع دینی و هیأت های حسینی را مورد هدف قرار دهند. وی در کنفرانس خبری و طی اعترافاتش گفت: این گروه دارای طرفدارانی است. وهدف آن حمله به مرجعیت، و دیگر علمای دینی، و از هم پاشیدن اوضاع امنیتی عراق است. الحمامی در ادامه اعترافاتش گفت: تعدادی از عناصر این گروه مسئولیت هایی هم چون مسئول امور مالی، تبلیغاتی و نظامی برعهده داشتند. وی افزود: هزینه های ما از کشورهای خارجی بویژه امارات تأمین می شود، و شعار ما ستاره داود می باشد.

چند روز بعد از حادثه یمانی، پایگاه خبری «ملف پرس» از خبرگزاری های معتبر در عراق در خبری فاش کرد که احمد الحسن یمانی، بعد از حادثه بصره و ناصریه، به کشور امارات متحده عربی گریخته، و در دبی اقامت گزیده است.

اشکالات و تناقضات جریان یمانی (احمد الحسن) بخش اول

اگر کسی از گذشته و حال جریان یمانی خبر داشته باشد، با سلیلی از اشکالات شرعی، عرفی و عقلی و نیز تناقضات آشکار و ابهامات زیاد مواجه می شود. از جمله:

۱- بنا بر شهادت افراد مطلع و آگاه، مدعی جریان یمانی شخصی به نام احمد اسماعیل صیمری از طایفه صیامر منطقه زبیر است. این طایفه از بنی هاشم نیستند. اما با این حال نامبرده با پوشیدن عمامه سیاه و یدک کشیدن عنوان سید احمد، خود را سید و از بنی هاشم معرفی کرده است. قطعاً این کار از باب دروغگویی و فریب دیگران شرعاً حرام است.

۲- در فیلمی که از او در ابتدای کار پخش شده است، می گوید: من یک روستایی ساده هستم و هیچ گونه ادعایی ندارم. اما در عین حال می گوید: خدا مرا برگزیده و ائمه همراه من هستند. و من صاحب نفس مطمئنه ام. و نور سراسر وجود مرا فرا گرفته و..... قطعاً این ادعاهای بزرگ با بی ادعا بودنش در تناقض است.

۳- در همان فیلم ، وقتی به عربی فصیح تکلم می کند ، در لحن کلام او اشتباهات زیاد (نحوی و صرفی) وجود دارد، که نشان می دهد سواد کافی ندارد . این واقعیت با ادعاهای بزرگی که دارد سازگار نیست.

۴- احمد اسماعیل از یک سو ادعای فرزندى امام زمان (عج) می کند ، واز سوى دیگر ادعا می کند که برای اولین بار امام زمان (عج) را در عالم خواب ، و سپس در ماه شعبان ۱۴۲۰ ق (مصادف ۱۳۷۸ ش) امام زمان را در برای دومین بار در بیداری دیده است ! یعنی آن زمان که از عمر او بیش از ۲۵ سال گذشته است . چطور امکان دارد فرزند امام زمان تا آن موقع بابای خود را ندیده باشد!؟

۵- وی با وجود ادعای فرزندى امام زمان (عج) ، اما خود را احمد بن الحسن می نامد . در حالی که می بایست خود را « احمد بن محمد » می نامید . چون نام امام زمان حسن نیست. بلکه حسن نام پدر امام زمان است . گویا « قاعده دروغگو فراموشکار است » در این جا جریان دارد.

اشکالات و تناقضات جریان یمانی (احمد الحسن) بخش دوم

اگر کسی از گذشته و حال جریان یمانی خبر داشته باشد ، با سلیلی از اشکالات شرعی ، عرفی و عقلی و نیز تناقضات آشکار و ابهامات زیاد مواجه می شود . در پست قبل به ۵ ایراد اساسی بر ادعاهای سید احمد الحسن اشاره نمودیم و اینک بقیه اشکالات :

۶- وی خود را یمانی می داند و روایاتی را که درباره خروج یمانی صادر شده ، بر خود منطبق می داند . در حالی که در روایات آمده است:

یمانی ، خراسانی و سفیانی در یک سال و یک ماه و یک روز خروج می کنند . و پس از چند ماه در همان سال امام زمان (عج) هم قیام می کند . مدعی یمانی نزدیک ده سال است که خروج کرده، در حالی که نه خراسانی و نه سفیانی ، نه در آن زمان ، و نه حالا خروج نکرده ، و هنوز هم امام زمان قیام نفرموده است !

۷- وی در عین این که خود را فرزند امام زمان وسید هاشمی می داند ، خود را یمانی نامیده است . در حالی که این دو عنوان یمانی و هاشمی ، آن هم برای کسی که اهل عراق است ، قابل جمع نیست؛ زیرا یمانی ظهور در این دارد که اهل یمن است . در حالی که وی به اعتبار محل تولد و نشو و نما عراقی است. البته گویا خود متوجه این تناقض شده ، لذا با این مغالطه ، این لقب را توجیه نموده است، که چون مگه از تهامه است . و تهامه از یمن است ، پس محمد و آل محمد (ص) همگی یمانی هستند.

وجه مغالطه بودن توجیه فوق این است ، که تهامه یک منطقه جغرافیایی است که از شمال جزیره العرب یعنی بالاتر از مکه و مدینه آغاز می شود ، و جنوب آن به یمن می رسد . بنابراین مکه و مدینه جزء تهامه است . و یمن هم از تهامه است ، ولی تهامه از یمن نیست . بلکه یمن در جنوب جزیره العرب قرار دارد و شامل شمال و میانه جزیره العرب نیست . بنابراین محمد و آل محمد (ص) حجازی و تهامی هستند ، اما یمانی نیستند .

اصولاً مردم عرب به دو دسته عدنانی و قحطانی تقسیم شده اند . مقصود از عرب عدنانی خصوص قریش ، و از جمله بنی هاشم است . در حالی که عرب قحطانی فقط اعرابی را شامل می شود که ریشه آن ها از یمن است . و به هیچ وجه به عرب عدنانی ، یمانی گفته نمی شود .

۸- وی در پیامی که به مردم عراق فرستاده ، از یک سو ادعا می کند ، که من از طرف امام زمان (عج) وبا تأیید جبرئیل و میکائیل آمده ام ، بنابراین پیروزی او با امدادهای غیبی باید حتمی باشد ، در حالی که از مردم عراق طلب نصرت می کند ، و می گوید که اگر نصرتم ندهید ، شما سابقه بی وفایی نسبت به مسلم بن عقیل را داشتید . و بدین صورت خود را به مسلم بن عقیل تشبیه می کند . همان مسلمی که پیروزی ظاهر او و یاری جبرئیل و میکائیل در حق او منتفی بود . و این تناقض دیگری است .

۹- وی به خواب های خودش و خواب های دیگران استناد می کند ، در حالی که خواب در مسائل شرعی و عقیدتی برای دیگران هیچ گونه حجیت و اعتباری ندارد . هیچ پیامبر و ولی الهی حقانیت خود را با خواب اثبات نکرده است . مخصوصاً که خواب صرف ادعا است . و امکان دارد آدم دروغگو هم ادعای آن را بکند .

۱۰- استناد دیگر او به وقوع حوادث آینده ، مثل سقوط صدام هم مضحک است . زیرا این پیشگویی توسط هر آدم آگاه به مسایل سیاسی امکان پذیر است ، و اختصاص به نامبرده ندارد . مخصوصاً که قبل از همه امام خمینی (ره) فرموده بود : صدام رفتنی است !

اشکالات و تناقضات جریان یمانی (احمد الحسن) بخش سوم

اگر کسی از گذشته و حال جریان یمانی خبر داشته باشد ، با سلیلی از اشکالات شرعی ، عرفی و عقلی و نیز تناقضات آشکار و ابهامات زیاد مواجه می شود . در پست های گذشته به ۱۰ اشکال اساسی بر ادعاهای سید احمد الحسن اشاره نمودیم و اینک بقیه اشکالات :

۱۱- آمادگی برای مناظره و مباحثه با علمای شیعه ، سنی ، یهودی ، نصرانی هم صرف ادعا است ، و هیچ چیزی را ثابت نمی کند. بله ، اگر مناظره و مباحثه صورت گرفت ، و طرف مقابل ، که دارای صلاحیت علمی باشد ، محکوم شده و یا عذاب الهی بر او نازل گردید ، آن گاه قابل استناد است . در حالی که این اتفاق برای مخالفین جریان یمانی پیش نیامده است.

۱۲- درباره استناد جریان یمانی به احادیث که قبل از این مفصلاً توضیح داده شد . احادیث مورد ادعا ربطی به مدّعی او ندارد . چون احادیث می گوید : مهدیین بعد از ظهور و وفات امام زمان (عج) می آیند نه قبل از او . در حالی که مدعی جریان یمانی می گوید الآن من وصی امام زمان هستم !

معلوم است که وصی باید بعد از مرگ مُوصی وارد عمل شود ، نه در حال حیات مُوصی و قبل از مرگ او !

۱۳- مدّعی جریان یمانی در تبلیغات خود مرتباً بر علیه علمای دین ، حوزه علیه و مراجع تقلید هتّاکی و جسارت می کند ، و صریحاً می گوید : که ما آمده ایم که وساطت علماء بین مردم و دین و خدا را حذف کنیم . در حالی که این حرف بر ضد تعالیم اهل بیت: است . چون از دیدگاه تعالیم اهل بیت: واسطه مردم و اهل بیت ، علماء هستند ، و فقهای ربّانی مراجع دینی مردم هستند . امام حسن عسکری (ع) می فرماید : « فأما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه محافظاً لدينه مخالفاً لهواه مطيعاً لأمر مولاه فللعوام ان يقلدوه » . در تویح منسوب به امام زمان (عج) آمده است : « واما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة احاديثنا فانهم حجّتي عليكم وانا حجّة الله » .

۱۴- جریان یمانی در امر ضدیت با علماء ، از تبلیغات سوء گذشته ، وارد فاز عملی و نظامی شده است . لذا در جریان توطئه ترور علمای نجف که در عاشورای سال ۱۳۸۵ ش توسط جریان « جند السماء » برنامه ریزی شده بود ، مشارکت داشته و ۲۰۰ نفر از آن ها به هلاکت رسیدند.

از این واقعیت ، این نتیجه بدست می آید که آن ها پادوی استعمار در مبارزه با روحانیت . یعنی مهم ترین سنگر مقاومت اسلامی در مقابل استعمار ، می باشند.

۱۵- استفاده از ستاره داود که آرم مخصوص صهیونیست ها می باشد، نشان دیگری از وابستگی این جریان به استعمار است..

۱۶- حضور افرادی با سابقه بعثی بودن در تشکیلات جریان یمانی ، از قبیل : سالم عبد حسن ، وحسن الحمامی (رهبر مذهبی گروه که دستگیر هم شده است) ، وهمین طور برادر احمد اسماعیل که از افسران حزب بعث بوده ، نشانه دیگری از وابستگی جریان به « الحملة الایمانیة » صلّام حسین معدوم است.

۱۷- اخیراً در یکی از برنامه های ماهواره ای سلفی « صفا » یک شخص مصری غیر معمم به نام عبدالعال سلیمه ، که به دروغ به عنوان عالم شیعی معرفی شده است ، از جریان یمانی واحمد الحسن با تجلیل وبه عنوان مهدویت نام برده است . این پدیده نشان می دهد ، که جریانات سلفی ووهابی در پی تبلیغ جریان یمانی از ماهواره های خود می باشند . این هم قرینه دیگری از وابستگی جریان به استکبار جهانی است.